



## درس خارج اصول آیت الله اراکی دامت برکاته

عنوان درس:	خارج اصول فقه	جلسه ۸۶	تاریخ درس:	۱۴۰۰/۰۱/۱۷
عنوان فرعی ۱	مقدمات تصدیقیه بحث حجج و امارات			
عنوان فرعی ۲	تجری			
عنوان فرعی ۳	مطلب اول: حرمت یا عدم حرمت فعل متجری به			
عنوان فرعی ۴	بخش اول: ادله ثبوت حرمت فعل متجری به			
عنوان فرعی ۵	دلیل دوم: استدلال بر اساس قاعده ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع			
مقرر:	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش			

### مرور درس گذشته

گفتیم برای اثبات حرمت فعل متجری به به قاعده ملازمه استدلال شده است که صغرای آن استدلال این بود که عقل به قبح فعل متجری به حکم می کند و کبرای آن این بود که بین حکم عقل و حکم شرع ملازمه وجود دارد؛ نتیجه اینکه فعل متجری به شرعاً حرام است.

گفتیم ابتدا باید بحث شود که آیا مانع برای جریان قاعده ملازمه وجود دارد یا خیر؟ آیا اصلاً جای قاعده ملازمه در اینجا وجود دارد یا خیر؟ گفتیم مرحوم میرزا می فرماید مانع وجود دارد از اینکه ما بخواهیم قاعده ملازمه را در اینجا پیاده کنیم؛ یعنی مانع از شرعی بودن حکم به حرمت تجری وجود دارد؛ یعنی اینکه فعل متجری به، فعل حرامی باشد مانع عقلی وجود دارد و چون مانع عقلی وجود دارد؛ لذا قاعده ملازمه در اینجا جاری نمی شود. خلاصه فرمایش میرزا این بود که اگر فعل متجری به بخواهد حرام باشد، سه فرض در آن قابل تصور است:

فرض اول اینکه جامع بین فعل متجری به و شرب خمر واقعی حرام باشد؛ مرحوم میرزا می فرماید این فرض ممکن نیست زیرا رابطه این دو رابطه طولیت است؛ لذا جعل واحد نمی تواند به هر دوی آنها تعلق بگیرد. استاد شهید به این فرمایش جواب دادند و فرمودند این نمی تواند وجه امتناع باشد چون این طولیت، طولیت در مقام فعلیت حکمین است، نه در مقام جعل حکمین و مولا می تواند دو حکم را جعل کند منتهی اگر موضوع حکم دوم بخواهد تحقق پیدا کند، باید حکم اولی وجود داشته باشد؛ این در مقام فعلیت و تحقق خارجی موضوع است.

فرض دوم میرزا این بود که حرمت مستقیماً به خود فعل متجری به تعلق بگیرد؛ مرحوم میرزا فرمود این نیز ممکن نیست زیرا این حکم قابلیت وصول به متجری را ندارد؛ زیرا متجری هیچ گاه خودش را متجری نمی داند و اگر بداند فعلی که می خواهد انجام دهد، شرب خمر نیست، دیگر متجری نخواهد بود؛ یعنی با علم به تجری، خود تجری منتفی می شود و تا علم به اینکه متجری است نداشته باشد و خیال کند که علمش موافق با واقع است، خودش را متجری نمی داند؛ لذا حکم حرمت تجری هیچ گاه به او واصل نخواهد شد. استاد شهید فرمودند این اشکال نیز قابل دفع است به این صورت که حکم حرمت تجری می تواند از یک طریق غیر عملی به مکلف برسد؛ که در این صورت مکلف علم دارد که در حال شرب خمر است؛ خب اگر بخواهد به حرمت فعل تجری علم پیدا کند، خطاب به او نمی رسد زیرا او خودش را متجری نمی داند؛ اما اگر از یک طریق غیر علمی، حکم حرمت تجری به او رسید، در این صورت یا علمش را مطابق با واقع می داند یا نمی داند؛ یعنی می گوید یا حکم حرمت واقعی شرب الخمر شامل من شده، یا حرمت تجری؛ یعنی خودش را مشمول احد الحکمین می داند و لذا از این طریق امکان وصول برای او وجود دارد.

فرض سومی که مرحوم میرزا بیان می کند این است که حرمت به شرب خمر معلوم الخمریة تعلق بگیرد، چه مصادف با واقع باشد و چه مصادف با واقع نباشد. بین عنوان شرب الخمر معلوم الخمریة و شرب الخمر واقعی عموم من وجه وجود دارد زیرا شرب الخمر معلوم الخمریة گاهی مصادف با واقع است و گاهی مصادف با واقع نیست؛ لذا از این نظر اعم از شرب الخمر واقعی است. شرب الخمر واقعی نیز گاهی معلوم است و گاهی معلوم نیست؛ لذا در اصل بین این دو نوع حکم، عموم من وجه است؛ اما در علم و نگاه خود متجری و در نفس خود متجری بین آنها عموم خصوص مطلق است؛ زیرا متجری همیشه علم خود را مطابق با واقع می داند؛ لذا بین حکم حرمت شرب معلوم الخمریة و حرمت شرب خمر واقعی در نظر مکلف عموم و خصوص مطلق است؛ زیرا حرمت شرب الخمر واقعی اعم از معلوم الخمریة بودن و معلوم الخمریة نبودن است و چون برای او شرب الخمر، معلوم الحرمة است و احتمال عدم مطابقت با واقع نیز نمی دهد؛ پس برای او حرمت شرب الخمر معلوم الخمریة اخص مطلق است از حرمت شرب خمر واقعی؛ لذا چون اخص مطلق است، اجتماع مثلین می شود؛ یعنی دو حرمت بر روی یک شیء واحد می رود و فعل تجری او با دو حرمت حرام می شود؛ یکی با حرمت شرب الخمر واقعی و یکی به دلیل حرمت شرب الخمر معلوم الخمریة و اجتماع مثلین محال است؛ بنابراین [میرزا می فرماید] در هر صورت حرمت فعل متجری به ممکن نخواهد بود.

### اشکال استاد شهید بر فرض سوم

استاد شهید می فرماید اینکه فرمودید «نزد خود متجری بین حرمت شرب الخمر معلوم الخمریة و بین حرمت شرب الخمر واقعی عموم و خصوص مطلق بر قرار است لذا اجتماع المثلین می شود»، درست نیست

بلکه در نزد خود متجری نیز عموم و خصوص من وجه است؛ زیرا درست است که متجری نزد خودش معلوم الخمریة مطابق با واقع است؛ اما معلوم الخمریة نزد دیگری احتمال می‌دهد که مطابق با واقع نباشد. به عبارت دیگر شخص این احتمال را می‌دهد که معلوم الخمریة نزد دیگری مطابق با واقع نباشد؛ لذا باز هم معلوم الخمریة دو شق دارد: یک معلوم الخمریة مطابق با واقع، و یک معلوم الخمریة غیر مطابق با واقع که احتمال می‌دهد معلوم الخمریة نزد دیگری باشد؛ لذا بین این دو عنوان در نزد متجری نیز عموم و خصوص من وجه برقرار است؛ حرمت شرب خمر واقعی قد یكون معلوماً و قد لا یكون معلوماً و حرمت شرب الخمر معلوم الخمریة هم نیز گاهی واقعی است و گاهی واقعی نیست و لو نزد دیگری. بنابراین در این فرض اجتماع مثلین لازم نمی‌آید؛ زیرا در جایی که بین دو عنوان عموم و خصوص من وجه برقرار باشد، ورود حکمین، موجب اجتماع مثلین نمی‌شود.

بنابراین استاد شهید می‌فرمایند که وجهی که میرزای نائینی برای امتناع تعلق حرمت شرعی به فعل متجری به بیان می‌کنند، اثبات امتناع نمی‌کند.

#### تعلیق بر اشکالات استاد شهید

ما بر اشکال استاد شهید بر میرزا، تعلیقی داریم. استاد شهید هر سه وجه امتناعی که میرزا در هریک از سه فرض آورده بود را مخدوش کرد. فرض اول از فروض سه گانه میرزا این بود که حرمت به جامع بین شرب الخمر واقعی و شرب الخمر متجری به تعلق گرفته است و فرمود تعلق حرمت به این جامع ممکن نیست زیرا بین شرب الخمر واقعی با شرب الخمر متجری به طولیت وجود دارد و حرمت شرب الخمر واقعی تربتاً بر شرب الخمر واقعی مقدم است؛ زیرا حرمت تجری متوقف است بر اینکه حرمت شرب الخمر واقعی وجود داشته باشد تا نسبت به او تجری صورت بگیرد؛ لذا جعل دو حکم طولی در عرض واحد ممکن نیست. استاد شهید جواب دادند و فرمودند که طولیت در اینجا در مقام جعل نیست؛ بلکه در مقام فعلیت است و اشکالی ندارد دو حکمی که بین آن دو حکم طولیت وجود ندارد اما در مقام فعلیت، اگر حکم دوم بخواهد فعلیت پیدا کند، اول باید حکم اول فعلیت پیدا کند، [با حکم واحد جعل شوند]. اشکال ما بر این جواب استاد شهید است که در نتیجه کلام میرزا احیا خواهد شد. تعلیق ما این است که طولیت در اینجا، طولیت در مقام فعلیت نیست؛ بلکه طولیت در خود مقام جعل است؛ زیرا شارع در مقام جعل می‌خواهد حکم را بر سر فرض تجری ببرد، یا بگوید در مقام جعل می‌خواهد حرمتش را به فعل متجری به متوجه کند، همین که بخواهد تصور تجری کند، متوقف بر این است که فرض کند خودش (یعنی مثلاً شرب خمر) یک حکم واقعی دارد که نسبت به آن تجری صورت گرفته است. خود تجری موضوعاً توقف بر وجود حکم واقعی مجعول سابق دارد. به تعبیر دیگر خود جعل حرمت برای تجری، توقف بر یک جعل حکم واقعی سابق دارد؛ نه اینکه در مقام فعلیت اینها با یکدیگر طولیت داشته باشند. به عبارت دیگر، ما بحثمان در تجری خارجی نیست؛ بلکه بحثمان در خود

عنوان تجری است که از سوی شارع حکم می‌خواهد روی آن برود؛ همین که عنوان تجری بخواهد شکل بگیرد و همین که عنوان تجری بخواهد تصور شود، [نیاز به یک حکم واقعی دارد تا بتوان فرض تجری صورت بگیرد]؛ بنابراین در مقام فرض، فرض تجری، توقف بر فرض وجود یک حکم واقعی دارد؛ و این مربوط به مقام جعل است، نه فعلیت؛ لذا فرمایش مرحوم میرزا فرمایش متینی است.

مگر بنابر حرفی که ما سابقاً بیان کردیم و گفتیم که فرض دو امر طولی، در مقام فرض امتناع ندارد؛ یعنی فرض می‌کند وجود حکم واقعی خودش را و فرض می‌کند تجری از آن حکم واقعی را و بعد حکم را روی تجری بار می‌کند و این اشکالی ندارد. در مسأله اخذ علم به حکم، در موضوع حکم که گفته می‌شود دور است، ما در حل دور گفتیم خود فرض علم به حرمت، متوقف به وجود حرمت نیست؛ خود علم به حرمت بله [متوقف بر وجود حرمت است] اما فرض علم به حرمت متوقف بر وجود حرمت نیست. نظیر این حرف را ما در حکمین طولیین می‌گوییم: فرض یک حکم سابق و بعد فرض حکم متوقف بر آن فرض، در مقام فرض هیچ نحو امتناعی ایجاد نمی‌کند. فرض می‌کند تجری از یک حکم واقعی موجود را؛ یعنی فرض وجود حکم واقعی در مرحله سابق می‌کند؛ و این مانعی ندارد. در اینجا طولیت تحقق پیدا نکرده است زیرا طولیت بین خود حکمین است نه در فرض حکمین. این جواب درست است.